


عوامل و موانع «گرایش به تفکر» در قرآن کریم و دلالت‌های تربیتی آن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹

اعظم رحیمی^۱

فاطمه وجدانی^۲

محمدتقی بیگدلی^۳

DOI: 10.30497/esi.2024.245595.1718 

چکیده

ایجاد «گرایش به تفکر» رویکردی است که اخیراً برای پرورش تفکر در نظام‌های آموزشی جهان مورد توجه قرار گرفته است؛ چراکه صرفاً با آموزش «مهارت» اندیشیدن به فراگیران، نمی‌توان اندیشه‌ورز شدن آنها را تضمین کرد. از آنجاکه گرایش فکری پدیده فرهنگی است و از تعامل با باورها، ارزش و هنجارهای محیطی نشئت می‌گیرد، توجه به عناصر فرهنگی در «گرایش به تفکر»، بسیار حائز اهمیت است؛ از این رو، هدف در پژوهش حاضر، شناسایی عوامل و موانع گرایش به تفکر، براساس قرآن کریم و ارائه پیشنهاداتی برای نظام‌های تربیتی، بود. برای این منظور ۲۳۲ آیه که حیطه مفهومی و مضامین آنها نمایانگر موضوع تفکر در قرآن کریم بودند، شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفتند. پس از استخراج مفاهیم اولیه (۲۸ مفهوم پایه)، در نهایت، ۴ محور کلیدی برای عوامل و موانع «گرایش به تفکر»، از دیدگاه قرآن کریم، شناسایی شد. نتایج پژوهش حاضر، از نگاه قرآن کریم، بیانگر آن است که به جریان انداختن تفکر نیازمند عواملی چون منابع و موضوعاتی برای تفکر، روش مناسب، مصون‌سازی تفکر از عوامل بازدارنده (موانع) و تقویت و راهبری تفکر، از طریق عوامل تسهیل‌کننده، است. بر همین اساس، لازم است مربیان با ایفای نقش الگویی برای تفکرورزی، تهیه محتوای غنی و نافع، فراهم کردن فرصت‌ها و فعالیت‌هایی برای تفکر و چالش‌های فکری، فرضیه‌آزمایی، گسترش ظرفیت درک شهودی و باطنی، تربیت اخلاقی و تهذیب نفس و زمینه گرایش به تفکر را در فراگیران فراهم نمایند.

واژگان کلیدی: تفکر، دلالت‌های تربیتی، «گرایش به تفکر»، قرآن کریم.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

aa.rahimi12@gmail.com

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). f_vojdani@sbu.ac.ir

۳. استادیار مرکز علم و فناوری تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

aghibigdeli@yahoo.com

بیان مسئله

امروزه «پرورش تفکر» و تربیت دانش‌آموزان خردورزی که بتوانند به‌طور صحیح و دقیق بیندیشند و مسایل زندگی خود را حل کنند، از اولویت نظام‌های آموزشی است. این امر در رویکرد اسلامی، اهمیت مضاعفی هم پیدا می‌کند. به بیان امام خمینی^(ره): «تفکر مفتاح ابواب معارف و کلید خزائن کمالات و علوم است و مقدمه لازم حتمیه سلوک انسانیت است» (خمینی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۱)؛ از این رو، سیر تربیت باید به‌گونه‌ای باشد که اندیشیدن درست در طول زمان، تبدیل به شاکله متربیبان شود.

در این راستا، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که صرفاً با آموزش «مهارت» تفکر، نمی‌توان اندیشه‌ورز شدن فراگیران را تضمین کرد و چیزی بیش از «مهارت» صرف، مورد نیاز است؛ و آن عبارت است از «گرایش» به تفکر (صداقت، ۱۳۸۴)؛ در واقع، بسیاری از افراد در موقعیت‌های استدلالی، با وجود توانایی ارائه انبوهی از دلایل، معمولاً این کار را انجام نمی‌دهند؛ چراکه فاقد گرایش به انجام چنین کاری هستند (صداقت، ۱۳۹۳). تفکر کاری است که باید فعالانه و با صرف وقت و انرژی انجام شود و مانند هر کار ارادی دیگر به انگیزه و گرایش نیاز دارد تا در مرحله بعد، فرد بخواهد و بتواند مهارت‌های لازم برای درست اندیشیدن را به‌کارگیرد؛ بنابراین، «گرایش به تفکر»^۱ سازه‌ای فراتر از قابلیت‌های ذهنی بوده و ابعاد عاطفی را هم به آن اضافه می‌کند (Richhart & Prkins, 2000). با وجود اهمیت «گرایش به تفکر»، برنامه‌های آموزش تفکر عمدتاً بر مهارت‌آموزی تأکید کرده‌اند؛ چراکه پرورش گرایش‌ها دشواری‌های زیادی دارد. گرایش‌های فکری ساختار نورونی نیستند که در سخت‌افزار مغز جای داشته باشند، بلکه پدیده‌های فرهنگی هستند و طی تعامل با باورها، ارزش‌ها و هنجارهای محیطی شکل می‌گیرند (Prkins & Tishman, 1998).

مطالعات آسیب‌شناختی پرورش تفکر در نظام آموزشی در ایران، نشان می‌دهد که نظام آموزشی ما تاکنون در پرورش منش‌های فکری فراگیران، توفیق چندانی نداشته است؛ به‌طوری که فراگیران مستعد، به تدریج، پویایی و جستجوگری خود را در سال‌های اولیه تحصیلی از دست داده و به پذیرندگان منفعل اطلاعات تبدیل می‌شوند (صداقت، ۱۳۸۴). این درحالی است که با آموزش مناسب می‌توان گرایش‌های فکری را ارتقاء بخشید

1. Disposition to Thinking.

(Richhart & Prkins, 2000). از سوی دیگر، با عنایت به وجود منابع غنی و اصیل اسلامی برای پرورش همه‌جانبه انسان، به‌ویژه آموزه‌های قرآنی درباره تفکر، به نظر می‌رسد که می‌توان با روشی نظام‌مند در پی شناسایی عوامل و موانع «گرایش به تفکر»، از قرآن کریم، برآمد و براساس آن، پیشنهادهای برای اصلاح نظام تربیتی مطرح نمود.

پژوهش‌های قبلی در زمینه پرورش تفکر، کمتر به «گرایش به تفکر» پرداخته‌اند. صداقت (۱۳۸۴) مؤلفه‌های فرهنگ تفکر (انتظارهای آشکار و ناآشکار، تخصیص زمان، الگودهی به‌وسیله معلم، روال‌های کلاس و ساختار یادگیری، خلق فرصت‌ها، ارتباط‌ها و الگوهای تعامل، محیط فیزیکی، زبان و الگوهای مکالمه) را در کلاس‌های مدارس ابتدایی دولتی، بررسی کرد و دریافت که کمترین فراوانی، به ترتیب، مربوط به ایجاد فضای فیزیکی مناسب برای اندیشیدن و استفاده از روال‌های تفکر است و بیشترین فراوانی، مربوط است به الگودهی تفکر. در پژوهشی دیگر، عجم و مباشری (۱۳۹۸) در پژوهشی شبه‌آزمایشی، اثربخشی قصه‌های قرآنی بر ذهنیت فلسفی و «گرایش به تفکر» انتقادی دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی را مثبت ارزیابی کردند. اخوان ملایری (۱۳۹۸) نیز بسته آموزش تفکر انتقادی را براساس داستان‌ها و تمثیل‌های قرآن کریم طراحی کرد و اثربخشی آن را بر پرورش روحیه پرسشگری، مسئولیت‌پذیری، تقویت روحیه انتقادپذیری و تحمل عقاید دیگران، مشارکت در فعالیت‌های گروهی، تقویت مهارت خودسنجی و خوداصلاحی، مهارت رمزگشایی مفاهیم و شفاف‌سازی، توان آزمون اندیشه‌ها و تحلیل استدلال‌ها نشان داد و آن را برای کلیه پایه‌های تحصیلی جهت زمینه‌سازی و پرورش افراد معتقد، متدین، هشیار و آگاه با ذهن فلسفی، پیشنهاد کرد. در پژوهش دیگری، صحرایی پاریزی (۱۳۹۹) مؤلفه‌های گرایش به تفکر انتقادی را از سوره مبارکه بقره، بدین‌صورت استخراج کرد: قصه‌گویی، پرسشگری، داوری با معیار مشخص، تمثیل، استدلال، تحلیلی انتقادی، پرهیز از تعصب و اغراض شخصی، عدالت‌ورزی و حقیقت‌جویی؛ البته این مؤلفه‌ها صرفاً مربوط به تفکر انتقادی هستند و تنها از سوره بقره استخراج شده‌اند. بخشی‌زاده مقدم، انصاریان و صمدی (۱۴۰۲) جایگاه پرورش تفکر مبتنی بر فلسفه تربیتی اسلام را در رسانه تلویزیون، مورد بررسی قرار دادند و به اصول محوری همچون رابطه دستیاری با نهاد سنتی تربیت، نقش مقدماتی و برانگیختگی

در فرایند تفکر، حد گشودگی در فراروندگی، مقابله با تهدیدها و ساختارچینی طراحی بر پایه فرصت‌نگری و مخاطب فعال، دست یافتند.

برخی صاحب‌نظران (Richhart, 2015) نیز مهم‌ترین عامل در «گرایش به تفکر» را فرهنگ‌سازی دانسته و عوامل زیر را در ایجاد فرهنگ تفکر در مدارس مؤثر می‌دانند: تخصیص زمان، الگودهی به وسیله معلم، روال‌های کلاس و ساختار یادگیری، خلق فرصت‌ها، الگوهای تعامل، محیط فیزیکی، زبان و الگوهای مکالمه. مرور مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که با وجود پژوهش‌های ارزشمند در زمینه مهارت تفکر، در مورد «گرایش به تفکر»، کمتر کار شده و به نظر می‌رسد، به انجام پژوهش مبتنی بر آموزه‌های وحیانی نیاز ضروری احساس می‌شود.

روش پژوهش

هدف از انجام پژوهش حاضر، شناسایی عوامل و موانع «گرایش به تفکر»، براساس قرآن کریم و پیشنهاد دلالت‌های تربیتی مبتنی بر آن، بود. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و جامعه پژوهش آیات قرآن کریم، مرتبط با موضوع پژوهش، بود. قلمرو پژوهش شامل آیاتی (۱۸ آیه) بود که یکی از مشتقات ماده «فک ر» در آن به کار رفته است؛ به همراه سیاق آیات مذکور که در مجموع تعداد ۲۳۲ آیه برای واحدهای تحلیل شناسایی شدند. علاوه بر آیات منتخب، بنا به نیاز و ضرورت برای فهم کامل‌تر، از سایر آیات قرآن کریم نیز استفاده گردید. سپس با مراجعه به تفسیر المیزان و در صورت لزوم، سایر کتب تفسیری، مفاهیم پایه از درون آیات و سیاق استخراج شد. در مرحله بعد، داده‌ها کدگذاری و دسته‌بندی شده و در قالب عوامل و موانع «گرایش به تفکر» ساماندهی شدند. در نهایت، با توجه به عوامل و موانع به دست آمده از قرآن کریم، رهنمودهای تربیتی برای نظام آموزشی ارائه گردید.

مفهوم‌شناسی تفکر و «گرایش به تفکر»

تفکر: «تفکر» از مصدر عربی ماده «ف.ک.ر»، قوه‌ای است که به واسطه آن می‌توان به شناخت و معرفت رسید. به عبارت دیگر، «تفکر» به فعالیت درآوردن قوه فکر در پرتو عقل است که فقط به انسان اختصاص دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۵). ابن فارس (۱۴۰۴، ص ۴۴۶) و طبرسی (۱۴۳۱ق، ص ۱۴۱) نیز تفکر را «تأمل و تصرف در مقدمات و نشانه‌های

نخستین برای رسیدن به مطلوب» تعریف کرده‌اند. علامه طباطبایی (۱۳۸۵) با توجه به آموزه‌های قرآن کریم، معتقد است که آن فکر صحیح و اقوم^۱ که قرآن کریم بشر را به سوی آن دعوت و تشویق کرده و تشخیص آن را به عقل فطری بشر احاله نموده است، در صورتی که آزادی خدادادی‌اش محفوظ مانده باشد، در همه شئون حیات اجتماعی و فردی، راهی جز این ندارد که مقدمات یقینی و معلوم خود را طبق ضابطه‌ای، طوری بچیند که از آن‌ها هدف مجهول خود را دریابد.

در تعریفی دیگر، تفکر هر نوع فعالیت ذهنی است که با تمرکز بر روی مفهومی یا امری ذهنی برای آگاهی بیشتر، انجام می‌گیرد؛ خواه به صورت قیاس منطقی باشد یا به صورت دیگر؛ بنابراین، تفکر گاهی برای کشف مجهول است؛ یعنی چیزی را که نمی‌دانستیم، حالا می‌دانیم و گاهی نیز انسان چیزی را می‌داند، ولی نگاهش سطحی است یا فراموش کرده است و با فکر کردن، آن چیز در آگاهانه ذهنش، حضور پیدا می‌کند و دانسته‌هایش تقویت می‌شود، روشن‌تر می‌شود و عمق پیدا می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱). از منظر اندیشمندی دیگر، منظور از تفکر (اندیشیدن)، فرایندی است که به واسطه آن یادگیری‌های گذشته ما دست‌کاری و سازمان‌دهی می‌شوند.

از آنجاکه یادگیری‌های گذشته ما در حافظه ذخیره می‌شوند، می‌توان تفکر را دخل و تصرف و ایجاد تغییر در اطلاعات ذخیره‌شده در حافظه، تعریف کرد (Santrock, 2004) به نقل از سیف، ۱۳۸۷، ص ۳۴۶.

گرایش به تفکر: صاحب‌نظران (Prkins & Tishman, 1993) گرایش به تفکر را تمایل به الگوهای معینی از رفتار عقلانی تعریف کرده و یک مفهوم سه وجهی از گرایش‌ها ارائه داده‌اند. از نظر ایشان، «گرایش به تفکر» از سه مؤلفه روان‌شناختی تشکیل شده است: «حساسیت»، «تمایل» و «توانش».

«حساسیت»^۲، عبارت است از شناسایی موقعیت‌های مستلزم اندیشیدن. این ویژگی احتمال توجه به وقایع برای درگیر کردن تفکر را ایجاد می‌کند؛ «تمایل»^۳، همان انگیزش یا

۱. إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰتِي هِيَ اَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا كَبِيْرًا (اسراء، ۹).

2. Sensitivity.
3. Inclination.

نیروی محرکه برای درگیر شدن در یک رفتار است؛ و «توانش»، ظرفیت یا استعداد پایه برای انجام یک رفتار است.

از دیدگاه صاحب‌نظران (Richhart & Prkins, 2008)، گرایش به تفکر مستلزم وجود فرهنگی در محیط یادگیری است که حامی و پرورش‌دهنده تفکر باشد. انگیزه‌بخشی، ارزش دادن به دانش سطح بالا، توسعه راهبردهایی برای مدیریت فکر و الگودهی مناسب به فراگیران جزو فرایندهای کلاسی است؛ بنابراین، ایشان توسعه تفکر را یک تلاش اجتماعی می‌دانند. گفتنی است که «گرایش به تفکر» به منزله تمایل به فکرکردن به طریق معین و در موقعیت معین است و به آمادگی افراد برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های شناختی و لذت بردن از چنین فعالیت‌هایی اشاره دارد. «گرایش به تفکر» در معلم و دانش‌آموز، علاقه و کشش درونی به انجام تکالیف عقلانی و لذت از انجام چنین تکالیفی را ایجاد می‌کند و برای ایجاد چنین گرایشی نیازمند فراهم نمودن زمینه و عواملی است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در سه محور معرفی آیات برگزیده، عوامل و موانع «گرایش به تفکر» و دلالت‌های تربیتی مطرح می‌شوند.

۱. آیات برگزیده

قلمرو پژوهش در ۱۸ آیه از آیات قرآن کریم است که یکی از مشتقات ماده «فکر» در آن‌ها به کار رفته است و به همراه سیاق آیات مذکور، در مجموع، ۲۳۲ آیه واحدهای تحلیل را تشکیل می‌دهند (جدول شماره ۱).

جدول ۱. آیات برگزیده تفکر و سیاق آیات

آیه	شماره آیه	سوره	کلمه	آیات ابتدا و انتهای سیاق آیات	تعداد آیات
۱	۲۱۹	بقره	تتفکرون	۲۱۹ تا ۲۲۰	۲
۲	۲۶۶	بقره	تتفکرون	۲۶۱ تا ۲۷۴	۱۴

عوامل و موانع «گرایش به تفکر» ... / اعظم رحیمی و دیگران ۱۱

آیه	شماره آیه	سوره	کلمه	آیات ابتدا و انتهای سیاق	تعداد آیات
فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ.					
الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَ قُعُودًا وَ عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.	۱۹۱	آل عمران	یتفکرون	۱۹۰ تا ۱۹۹	۱۰
قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبِ وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَيْتُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَىٰ قُلُوبِ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ.	۵۰	انعام	تتفکرون	۳۷ تا ۵۵	۱۹
وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهَا بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَىٰ الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرَكَهُ يَلْهَثُ ذَٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ.	۱۷۶	اعراف	یتفکرون	۱۷۵ تا ۱۷۹	۵
أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ.	۱۸۴	اعراف	یتفکروا	۱۸۰ تا ۱۸۶	۷
إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَ ظَنَّ أَهْلِهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتْنَهَا أَمْرًا لَّيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.	۲۴	يونس	یتفکرون	۱۵ تا ۲۵	۱۱
وَ هُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِي وَ أَنْهَارًا وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رُجُومًا اثْنِينَ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.	۳	رعد	یتفکرون	۴ تا ۴	۴
يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَ الرِّيشُونَ وَ النَّخِيلَ وَ الْأَعْنَابَ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.	۱۱	نحل	یتفکرون	۱ تا ۲۱	۲۲
بِالْبَيْتَاتِ وَ الرُّبْرِ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ.	۴۴	نحل	یتفکرون	۴۱ تا ۶۴	۲۴

آیه	شماره آیه	سوره	کلمه	آیات ابتدا و انتهای سیاق	تعداد آیات
۱۱	۶۹	نحل	یتفکرون	۶۵ تا ۷۷	۱۳
۱۲	۸	روم	یتفکروا	۱ تا ۱۹	۲۰
۱۳	۲۱	روم	یتفکرون	۲۰ تا ۲۶	۷
۱۴	۴۶	سبا	تتفکروا	۳۱ تا ۵۴	۲۴
۱۵	۴۲	زمر	یتفکرون	۳۸ تا ۵۲	۱۵
۱۶	۱۳	جاثیه	یتفکرون	۱ تا ۱۳	۱۴
۱۷	۲۱	حشر	یتفکرون	۱۸ تا ۲۴	۷
۱۸	۱۸	مدثر	فکّر	۸ تا ۳۱	۱۴
جمع آیات تفکر با سیاق					۲۳۲

در آیات مذکور، کلمات مأخوذ از ریشه «فکر»، ۱۷ بار؛ در باب تفعل و در صیغه مضارع «یتفکرون»، ۱۱ بار؛ «تتفکرون»، ۳ بار؛ «یتفکروا»، ۲ بار و «تتفکروا»، ۱ بار و یک مورد در باب تفعیل «فکّر» به صورت ماضی، به کار رفته است. در تمام موارد، قرآن تفکر را از افعال انسان می داند؛ همچنین، استعمال فکر در باب تفعل دو ویژگی دارد: نخست اینکه قرآن کریم

در تمامی موارد، از صیغه جمع استفاده کرده است. نکته دوم ناظر بر وجه مضارع است که از نظر صرفی از پویایی و استمرار خبر می‌دهد.

استعمال فعل در باب تفعیل از یک‌سو، فعل ماضی و از سوی دیگر، از صیغه مفرد و در جهت منفی استفاده شده است که با این نشانه‌های صرفی می‌توان حدس زد که قرآن کریم به دو نوع دستگاه فکری قائل است: یکی نظام فکری مثبت، پویا و جمع‌گرا و یک نظام فکری دیگر که اساس آن بر فردگرایی و ایستایی است.

۲. عوامل و موانع «گرایش به تفکر» در قرآن کریم

در این پژوهش، نخست با استفاده از تفسیر المیزان، مفاهیم اولیه‌ای از آیات برگزیده و سیاق آنها استخراج شد. با بررسی و تحلیل محتوایی، آیات مورد بحث «برچسب مفهومی» اولیه دریافت می‌کنند. به دلیل محدودیت‌های موجود در مقاله، برای یک نمونه، گزاره‌های تفسیری و مفهوم پایه در آیه شریفه: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۱. در جدول شماره ۲ ذکر می‌شود.

جدول ۲. مفهوم‌یابی از آیات برگزیده در خصوص «گرایش به تفکر»

مفهوم پایه	گزاره تفسیری آیه: لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (حشر، ۲۱).	شناسه
ترغیب به تفکر	مثلی است که خدای تعالی برای مردم در امر قرآن زده تا عظمت و جلالت	۱
با استفاده از تمثیل	قدر آن را از این نظر که کلام خدا است و مشتمل بر معارفی عظیم است، به ذهن مردم نزدیک سازد تا درباره آن تفکر نموده و آن‌طور که شایسته آن است، با آن برخورد کنند و در صدد تحقق محتوای آن که حق صریح است، برآمده به هدایتی که از طریق عبودیت پیشنهاد کرده، مهتدی شوند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۳۸۰).	

با بررسی و مقایسه مستمر وجوه تشابه و تجانس مفاهیم با یکدیگر، این مفاهیم در قالب عوامل و موانع «گرایش به تفکر» دسته‌بندی شدند. به منظور کشف روابط بین عوامل و موانع با مقوله محوری (گرایش به تفکر) در حوزه معنایی و دسته‌بندی آن‌ها در قالب انتزاعی‌تر، مفاهیم و مقوله‌ها مورد بازبینی قرار گرفتند و در نتیجه چارچوب «گرایش به تفکر»،

براساس قرآن کریم، در قالب سه دسته عوامل، یک دسته موانع و ۲۸ مفهوم پایه، مطابق با جدول ۳، به دست آمد.

جدول ۳. عوامل و موانع «گرایش به تفکر» و مصادیق آنها در قرآن کریم

عوامل و موانع	مفاهیم پایه (مصادیق)	آیه
ارائه موضوع مهم و چالشی	نظر به آیات تشریحی و تکوینی (آفاق و انفس)	آل عمران، ۱۹۰؛ اعراف، ۱۸۰-۱۸۶؛ نحل، ۶۵-۷۷؛ روم، ۲۰-۲۶؛ یونس، ۱۵-۲۵؛ رعد، ۱-۴؛ نحل، ۱-۲۱؛ روم، ۱-۱۹؛ جاثیه، ۱-۱۳.
	آخرت و قیامت	بقره، ۲۱۹-۲۲۰؛ آل عمران، ۱۹۱-۱۹۹.
	نظر به گذشته (عبرت آموزی)	انعام، ۳۷-۵۵؛ روم، ۱-۱۹.
	نظام مرگ و حیات و خواب و بیداری	زمر، ۳۸-۵۲.
عوامل «گرایش به تفکر»	زوجیت سکون و آرامش در خانواده	روم، ۲۱.
	الگو دهی (اولولالباب)	آل عمران، ۱۹۱.
	تبیین دقیق و همه جانبه	بقره، ۲۱۹ و ۲۶۶؛ نحل، ۴۱-۶۴.
	آیه بینی	آل عمران، ۱۹۱-۱۹۹؛ یونس، ۲۴.
	پرسش	بقره، ۲۱۹-۲۲۰.
	استفاده از تمثیل	حشر؛ ۲۱؛ بقره، ۲۶۱-۲۷۴؛ یونس، ۱۵-۲۵.
	قصه گوئی	اعراف، ۱۷۶.
	زبان ترغیبی	بقره، ۲۶۶؛ سبأ، ۴۶؛ زمر، ۴۲؛ مدثر، ۲۰؛ روم، ۲۱.
	بیان نتایج و پیامدهای تفکر صحیح:	بقره، ۲۱۹-۲۲۰؛ اعراف، ۱۶۹؛ روم، ۸؛ آل عمران، ۱۹۰ تا ۱۹۵.
	- علم (آگاهی) و اتقان؛	
	- تقویت ایمان به خدا و آخرت (و هدایت پذیری)؛	اعراف، ۱۸۵؛ انعام، ۳۱ و ۳۲؛ آل عمران، ۱۹۰ تا ۱۹۵.
	- زمینه پذیرش قرآن و دعوت انبیای الهی؛	
	- مصون ماندن از زیان و حسرت؛	
	- حقانیت و هدفمند بودن خلقت؛	
	- زمینه استجاب دعا.	
	بیان عواقب بی فکری	بقره، ۲۶۱-۲۷۴؛ نحل، ۱۰۸ و ۱۰۹؛ مدثر، ۱۸-۲۰.
	- جهل؛	
	- کفر؛	
	- کارهای ابلهانه؛	

عوامل و موانع	مفاهیم پایه (مصادیق)	آیه
	- نفرین الهی.	
تسهیل	شناخت حسی (دیدن، شنیدن...) و درونی	آل عمران، ۱۹۱-۱۹۹؛ نحل، ۱-۲۱.
تفکر	فراغت خاطر از مادیات و سرگرمی‌های دنیوی	روم، ۸.
	دوری از هیاهوی جمع و تمرکز ذهنی	سبا، ۴۶
	با نیت خالص الهی	
	متذکر خدا بودن (یاد خدا)	آل عمران، ۱۹۰ تا ۱۹۵.
موانع گرایش به تفکر	بیماری‌های اخلاقی (خودپسندی، حب مال، جاه و... مسکرات و قمار)	بقره، ۲۶۶؛ بقره، ۲۱۹-۲۲۰.
	غفلت	اعراف، ۱۷۹.

براساس مدل پژوهش، «گرایش به تفکر» نیازمند مواد خام (منابع / موضوعات)، ابزار و روش، زمینه‌سازی و مصون‌سازی تفکر از موانع است.

۳. دلالت‌های تربیتی

براساس مبانی انسان‌شناختی قرآن کریم، از آنجاکه عمل انسان واجد مبادی شناختی، میلی و ارادی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷)، در برنامه‌های تربیتی و آموزشی، نه تنها قابلیت‌های شناختی، بلکه عوامل و موانع میلی نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

۳-۱. ارائه موضوعات مهم و چالشی در کلاس

براساس دیدگاه قرآن کریم برای پرورش تفکر صحیح، به چه اندیشیدن، بسیار مهم است. تفکر برای حرکت، نیازمند منبع و مأخذی است تا مواد فکری از آن سرچشمه بگیرد. قرآن کریم برای گرایش و ترغیب انسان به تفکر، موضوعاتی را برای تفکر ارائه می‌دهد و سرمایه فکری انسان را در مسیر سودمندتر هدایت می‌کند (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۱۹). گستره موضوعات تفکر در قرآن کریم را براساس هم‌نشین‌های مفعولی تفکر، می‌توان به دست آورد؛ مانند: «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ»، «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» * في الدنيا والآخرة. از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که قرآن کریم برای تفکر مفید و سودمند می‌داند: آیات تکوینی (خلقت) و تشریحی (قرآن کریم)، آخرت و قیامت، عبرت‌آموزی از تاریخ و زوجیت در موجودات است (جدول شماره ۳). با توجه به این امر، موارد زیر برای نظام تربیتی پیشنهاد می‌شود:

- پرهیز از مشغول کردن اندیشه فراگیران در هر عرصه و جهتی که نه تنها به پرورش آن کمکی

نمی‌کند و چه بسا زمینه‌ساز انحراف آن نیز خواهد بود.

- تدارک فرصت‌ها و فعالیت‌هایی که به واسطه آنها، فراگیران به معرفتی عمیق از منابع اصلی شناخت، یعنی طبیعت، تاریخ، نفس و شریعت دست یابند.

- غنی‌سازی محتواهای یادگیری و کتب درسی از منابع و موضوعات ذکر شده در قرآن کریم.

۲-۳. استفاده از روش‌های آموزشی مناسب

قرآن کریم، از طرق زیر انسان‌ها را به تفکر ترغیب می‌کند:

الگودهی: خداوند در قرآن کریم با معرفی اولوالالباب و ستودن صاحبان چنین عقلی و آثار تفکر در ایشان، انسان‌ها را ترغیب به تفکر می‌نماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ، الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۱.

باتوجه به تأثیرپذیری بالای کودکان و نوجوانان از الگوها، الگو بودن مربی برای تفکرورزی، بسیار مهم است. به مربیان پیشنهاد می‌شود که

- فرایند فکری خود را هنگام حل مسئله و تصمیم‌گیری برای فراگیران تشریح کنند؛

- فرایند تفکر علمی دانشمندان و فرایند خلاقیت هنرمندان را به فراگیران بیاموزند؛

- تدارک تمرین‌ها و فعالیت‌های گروهی فراگیران با هم و با مربی و تمرین ارائه بازخورد اصلاحی به یکدیگر.

یک تکنیک این است که هنگام حل مسئله با صدای بلند فکرشان را برای هم بیان کنند، از یکدیگر راجع به نحوه تفکرشان بپرسند و از هم یاد بگیرند. شایان ذکر است که برای این کار، علاقه‌مندی مربیان و صرف زمان و انرژی فراوان، انعطاف‌پذیری و عدم تعهد افراطی به چهارچوب‌های آموزشی از پیش تعیین شده و بنابراین، تفویض اختیاراتی به مربی، از سوی نهادهای آموزشی بالاتر، لازم است؛ همچنین برای جلوگیری از تعارض بین شیوه‌های تعلیم و تربیت در مدرسه با خانواده و جامعه، حمایت اجتماعی، از رویکرد، الزامی است.

۱. آل‌عمران، ۱۹۱.

تبیین دقیق و همه‌جانبه موضوعات: مراد از تبیین همان کشف و پرده‌برداری از علل احکام، قوانین و روشنگری اصول معارف و علوم به‌واسطه تفکر است (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۹۵). برای مثال، خداوند در آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ الْعَفْوُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»^۱ در بیان حکم شراب و قمار توأمان به مضار و منافع آنها اشاره می‌فرماید تا مخاطبان را به چالش بکشد و تفکر آنان را برانگیزد. لذا لازم است که مریبان علاوه بر اینکه خود جنبه‌ها و ابعاد گوناگون قضایا را به‌طور واقع‌بینانه تشریح کنند و اذهان را به چالش بکشند، در یک فضای فکری باز، اجازه بدهند تا فراگیران دیدگاه‌های مختلف‌شان را درباب موضوع مطرح کنند و در مورد آن بحث کنند.

نگرش آیه‌ای به هستی: «آیه/ آیات» مهم‌ترین هم‌نشین تفکر است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِذَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ»^۲. اکثر معلومات ما در جهان، به اصطلاح قرآن، حسی مستقیم یا تجربی نیست، بلکه «معلومات آیه‌ای» است. ذهن ما همواره از نشانه‌ها و آثار محسوس، مؤثر (آفریدگار) را در ورای آنها می‌بیند. خوب بودن یک انسان را نمی‌توان آزمایش کرد یا حس کرد، اما کار او آیه خوبی اوست؛ حتی گذشته‌ها را نیز از این راه می‌شناسیم؛ شناخت خدا نیز از همین راه است. قرآن کریم همه اشیاء این عالم را نشانه‌های الهی معرفی می‌نماید؛ عالم هستی و کائنات به‌منزله علامت و نشانه وجود خداوند و عالم دیگری ورای طبیعت است و توجه به این امر، ذهن را از سوی مشاهده مستقیم به سوی تفکر و بصیرت ترغیب می‌کند (مطهری، ۱۳۸۵). براین اساس، لازم است که معلمان، خود، نگرش آیه‌ای نسبت به پدیده‌های این جهان داشته و توجه فراگیران را نیز طی فعالیت‌های یادگیری، به این امر جلب کنند. توجه عمیق به شگفتی‌های خلقت یکی از نمونه‌هاست. معلمان باید ظرفیت‌های مربوط به دانش شهودی و باطنی فراگیران را به‌منظور رمزخوانی و رمزگشایی پدیده‌های مذکور (طبیعت، تاریخ و...) گسترش دهند و توجه فراگیران را به غایت‌مندی نظام هستی جلب کنند.

۱. بقره، ۲۹۱.

۲. آل‌عمران، ۱۹۰.

پرسشگری: پرسش اساساً با ساختار تفکر و ادراک در وجود انسان ارتباط دارد و غرض نهایی از طرح پرسش، کسب علم و ادراک برای پرسش کننده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ* فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتُمْ إِنْ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۱. برخی پرسش‌ها در قرآن کریم، نقش ذکر را به عهده دارند و با جلب توجه مخاطب، مسیر تفکر را در وی فعال نموده و بدین ترتیب، سبب رشد و شکوفایی او می‌شوند. از جمله کارکردهای تربیتی پرسش در قرآن کریم برای مربیان و محیط‌های یاددهی و یادگیری عبارتند از:

- ۱) برقراری ارتباط با موضوع؛
 - ۲) وارد ساختن تنش شناختی؛
 - ۳) بازبینی بینش‌ها در ساحت تحول درونی؛
 - ۴) غفلت‌زدایی و یادآوری بدیهیات فطری و عقلی؛
 - ۵) بسط منظر فرد نسبت به واقعیت‌ها؛
 - ۶) برانگیختگی عاطفی؛
 - ۷) طرح دلیل بر مدعا؛
 - ۸) تذکر نسبت به موقعیت ارتباطی فرد؛
 - ۹) نمایان‌سازی تناقضات فکری مخاطب؛
 - ۱۰) خطایابی و کمک به تغییر عملکرد و گشودن عرصه‌های تفکر.
- براین اساس، معلمان باید درس را با پرسش و درگیر کردن ذهن مخاطب شروع کنند؛ فراگیران را تشویق کنند تا پرسش‌های ذهنی خود را بپرسند و فراگیرانی را که اهل پرسش هستند، به‌طور ویژه، تشویق کنند.

استفاده از تمثیل و قصه‌گویی: مثال‌های قرآن نیز زمینه تفکر را فراهم می‌کنند. همان‌گونه که در آیه شریفه زیر، از حقیقت زندگی این دنیا، مثالی آورده تا انسان با شنیدن این مثل،

درباره حقیقت دنیا به فکر فرو رود و عبرت بگیرد: «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱. همچنین خدای تعالی از طریق مثال، عظمت و جلالت قدر قرآن را به مثابه کلام خدا و مشتمل بر معارفی عظیم به ذهن مردم نزدیک ساخته تا بتوانند درباره آن تفکر کنند: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَضْرِبَهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۲.

قرآن کریم مملو از داستان‌ها و تمثیل‌هایی است که در بیشتر آنها مفاهیم مهم توأم با دعوت به تأمل به همراه طرح پرسش‌هایی است که انسان را به تفکر وامی‌دارد تا افراد را به سوی انتخابی صحیح هدایت کند. تمثیلات با عینیت بخشیدن به امور انتزاعی زمینه و نیروی داستان در آفرینش دنیای احتمالی، می‌تواند زمینه کاوش فکری بیافریند. داستان وسیله‌ای است برای درک جهان و درک خویشتن. تعجبی ندارد که ابزار اولیه و مشترک تدریس در همه جوامع انسانی، داستان است. داستان‌ها علاوه بر اینکه در زمینه عاطفی نیرومند هستند، چالش‌های بالقوه‌ای نیز برای گرایش به تفکر فراهم می‌کنند؛ بنابراین به معلمان توصیه می‌شود که در تدریس از شیوه تمثیل و داستان به‌طور جدی و البته هدفمند و طراحی‌شده استفاده کنند؛ همچنین، داستان‌گویی باید توأم با مشارکت و بحث و گفتگوی فراگیران باشد و فراگیران منفعل نباشند.

استفاده از زبان ترغیبی: زبان قرآن کریم زبان وحی و دارای ویژگی‌های منحصر به فرد، از لحاظ اعجاز، شیوایی، بلاغت کلام، موسیقایی، ساختار و... است. اشکال کارگفت‌های ترغیبی به شکل ساختارهای استفهامی، خبری، امری، اظهاری، مدح، ذم، تعجبی، دوستی و تعاملی، نشان می‌دهد که کارگفت‌های غیرمستقیم در ترغیب انسان‌ها، بیشتر استفاده می‌شود و این نشان‌دهنده چندبعدی و چندمعنایی بودن آیات قرآن کریم است. ضمناً اصل تفکر و تدبیر در قرآن کریم موجب شده که انسان با قوه عقل و منطق به درک معانی کارگفت‌های غیرمستقیم دست یابد و از نعمت تعقل و خرد خویش سود برد (گرجیان، ۱۳۹۷، ص ۲۱).

۱. یونس، ۲۴.

۲. حشر، ۲۱.

زبان غیرمستقیم بهترین روش برای بیان کنش‌های ترغیبی برای تفکر است. نمونه آیات عبارتند از:

استفهام: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ... لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ». ^۱ نیز آیه «أَبُودُ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ». ^۲

امر: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جَنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ». ^۳

خبر: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فِيمَسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَ يُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». ^۴ و نیز آیه «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». ^۵

ذم: «إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ * فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ * ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ». ^۶

تعجب: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». ^۷

بیان آثار و نتایج تفکر صحیح: خداوند متعال در قرآن کریم از طریق بیان نتایج و آثار تفکر صحیح و بی‌فکری در انجام امور، انسان را ترغیب به تفکر می‌کند؛ از جمله مهم‌ترین آثار و پیامدهای تفکر صحیح عبارت است از:

تقویت علم و آگاهی: دایره مفهومی علم در قرآن کریم وسیع‌تر از دایره مفهومی تفکر است؛ یعنی نسبت آن‌ها عموم و خصوص مطلق است. تفکر نوعی یادگرفت است. انسان متفکر با دیدن آیات خداوند در خلقت، چیزهای بسیار زیادی یاد می‌گیرد؛ وجود خدا و

۱. بقره، ۲۱۹.

۲. بقره، ۲۶۶.

۳. سبأ، ۴۶.

۳. زمر، ۴۲.

۴. جائیه، ۱۳.

۶. مدثر، ۲۰-۱۸.

۷. روم، ۲۱.

ویژگی‌های او را درک می‌کند؛ خودش و حقیقت عالم را درک می‌کند؛ باطن و ورای ظواهر را درمی‌یابد: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ * أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ»^۱. تنوع معنایی و گستره قلمرو علم بسیار بیشتر از گستره تفکر است؛ زیرا از نظر فاعلی، شامل خدا، انسان، حیوان و کل موجودات است، ولی تفکر فقط در مورد انسان صادق است. تفکر در معرفت‌شناسی قرآنی، تنها بخشی از آن را پوشش می‌دهد و بخش دیگر را قرآن کریم با واژگان دیگر تبیین می‌کند. علم هم مقدمه است برای تفکر و هم نتیجه تفکر است و این به دلیل ذومراتب بودن علم است (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۶، ص ۱۶۹).

تقویت ایمان به خدا و آخرت: هدف اصلی قرآن کریم از تفکر و واژگان همسان، رسیدن

به حوزه ایمان است. این هدف در آیات متعدد به شرح زیر بیان شده است:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ * رَبَّنَا إِنَّتَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ * رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ * فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْتِي بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ»^۲ از آیات مورد بحث این معنا روشن می‌گردد که صاحبان این مناجات اعتقاد به خدا و روز جزا و مسئله نبوت انبیا را به طور اجمال از راه نظر کردن به آیات آسمانی و زمینی به دست آورده‌اند.

زمینه پذیرش قرآن کریم: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا

كَثِيرًا»^۳. مراد آیه این است که مخالفین قرآن را تشویق کند به دقت و تدبر در آیات قرآن و اینکه در هر حکمی که نازل می‌شود یا هر حکمتی که بیان می‌گردد یا هر داستانی که حکایت

۱. روم، ۸-۷.

۲. آل عمران، ۱۹۵-۱۹۱.

۳. نساء، ۸۲.

می‌شود یا هرموعظه و اندرزی که نازل می‌گردد، به آیات قبل که مربوط به آن است، عرضه بدارند؛ آن‌گاه کاملاً بر ایشان روشن می‌گردد که هیچ اختلافی بین آن‌ها نیست. نه اختلاف تناقض به اینکه آیه‌ای دیگر را نفی کند و نه اختلاف تدافع که با هم سازگار نباشد و نه اختلاف تفاوت به اینکه دو آیه از نظر تشابه بیان یا متانت معنا و منظور، مختلف باشند. همین نیافتن اختلاف در قرآن کریم، دلالت بر این دارد که کتاب از ناحیه‌ی خدای تعالی نازل شده؛ چون اگر از ناحیه‌ی غیر او بود، سالم از اختلاف نمی‌بود؛ آن‌هم اختلاف زیاد؛ چون غیرخدای تعالی هرچه و هرکس باشد، بالاخره از چهاردیواری عالم کون بیرون نیست و محکوم به طبیعت این عالم است و طبیعت این عالم بر حرکت و دگرگونی و تکامل است و هیچ واحدی از آحاد موجودات این عالم نیست؛ مگر آنکه اطراف امتداد زمان وجودش مختلف و حالاتش متفاوت است (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۷).

مصون ماندن از زیان و حسرت: «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ * وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ». ^۱ آیه مورد بحث، ضمن اشاره به آثار سوء انکار قیامت توسط مشرکین و اینکه به‌زودی و به‌طور ناگهان قیامت‌شان برپا و ناله‌شان به حسرت بر دنیایی که مفت از دستشان رفته، بلند شده و گناهان را که آن روز به‌صورت باری سنگین مجسم می‌شوند را به دوش خواهند کشید، متذکر می‌شود که اگر حیات دنیوی را که «لهو» و «لعب» است با حیات اخروی که حیات حقیقی و دائمی است، مقایسه کنند، خواهند فهمید که حیات اخروی برتر و بهتر است برای کسانی که پرهیزگارند.

پی بردن به حقانیت و هدفمند بودن خلقت: یکی از معارفی که قرآن کریم بسیار بر آن تأکید دارد و در آیات متعددی ما را دعوت به اندیشه درباره‌ی آن می‌نماید، باطل و بی‌هدف نبودن خلقت جهان هستی است. خداوند متعال در خلقت آسمان و زمین و تفاوت روز و شب نشانه‌هایی برای صاحبان خرد قرار داده است که با تفکر، این معنا برای ایشان کشف می‌شود که خلقت عالم باطل (بدون هدف و غرض معقول) نیست و به‌طور مسلم برای جزای دوباره، محشور خواهند شد: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ

لَأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۱.

زمینه استجابت دعا: خداوند متعال در آیات شریفه زیر پس از برشمردن خصوصیات

صاحبان خرد، می‌فرماید:

«فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ دَكَرَ أَوْ أَنْتَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ»^۲.

بیان عواقب بی‌فکری و مذمت تفکر ناصحیح: خداوند متعال در قرآن کریم عواقب

بی‌فکری و تفکر ناصحیح را جهل، کفر و انجام کارهای ابلهانه دانسته و با مذمت و سرزنش تفکری که در مسیر خلاف فطرت الهی و برای خدعه و نیرنگ قرار گرفته، انسان را دعوت و ترغیب به تفکر صحیح می‌نماید.

سرچشمه بدبختی‌ها و کارهای ابلهانه: «أَيُّدُ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضَعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»^۳. آیه شریفه در قالب تمثیل، سرچشمه بدبختی‌های انسان، به‌ویژه کارهای ابلهانه‌ای همچون منت‌گذاردن و ریا که سودش ناچیز و زیانش سریع و عظیم است، نتیجه ترک اندیشه و تفکر بیان می‌کند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۲۹). همچنین، خداوند در آیه شریفه دیگر می‌فرماید: «وَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ سَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ * لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۴؛ همچنین، در آیه «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ * فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ»^۵.

۱. آل عمران، ۱۹۱-۱۹۰.

۲. آل عمران، ۱۹۵.

۳. بقره، ۲۶۶.

۴. نحل، ۱۰۹-۱۰۸.

۵. ملک، ۱۱-۱۰.

عبارت «لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ» بدین معنا اشاره دارد که دوزخیان اعتراف می‌کنند، به دلیل اینکه نصایح و مواظب رسولان را نشنیدند (اطاعت نکردند) و در حجت حق آنان تعقل نکردند، در زمره اهل جهنم قرار گرفتند.

قدر (خدعه و نیرنگ): در آیات «إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ * فَقَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ * ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ»^۱ تقدیر از روی «تفکیر» به معنای آن است که چند معنا و چند وصف را در ذهن بچینی، و در ذهن جابه‌جا کنی تا از ردیف شدن آنها غرض مطلوب خود را نتیجه بگیری.

ولیدبن مغیره هم در این اندیشه بود که چیزی بگوید که با آن گفته دعوت اسلام را باطل کند و مردم معاند، مثل خودش، آن گفته را بپسندند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۱۳۵). بنابراین، فکر کردن کار خوبی است؛ به شرط آنکه در مسیر حق باشد که گاه یک ساعت آن فضیلت عبادت یک سال و حتی یک عمر را دارد؛ چراکه همان یک ساعت می‌تواند سرنوشت انسان را به کلی دگرگون سازد، ولی اگر فکر در مسیر کفر و فساد و شیطنت به کار گرفته شود، مذموم و نکوهیده است؛ و فکر کردن ولید از همین نوع بود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۶، ج ۲۵، ص ۲۲۸).

۳-۳. تسهیل تفکر

شناخت حسی و درونی: غالب دانشمندان مبداء و منشاء تمام تصورات و ادراکات جزئی و کلی معقول و غیرمعقول را حواس می‌دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۵). خداوند متعال از طریق مواجهه حسی انسان با خلقت، زمینه گرایش به تفکر را برای وی فراهم می‌کند: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ * يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۲.

آگاهی و شناختی که حواس به انسان می‌دهند، در پایین‌ترین سطح قرار دارد و استدلال و منطق و ابزاری چون قلب و شناخت قلبی، عمیق‌تر است. از میان حواس پنجگانه در مسیر شناخت، گوش و چشم از وسعت آگاهی بیشتر و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. بر همین اساس، در تدریس و آموزش باید از شیوه‌های آزمایشی و تجربی، وسایل و رسانه‌های کمک

۱. مدثر، ۲۰-۱۸.

۲. نحل، ۱۱-۱۰.

آموزشی متنوع برای درگیر شدن حواس در یادگیری و زمینه‌سازی برای تفکر و یادگیری در سطح بالاتر، از طریق شناخت درونی، استفاده کرد.

فراغت خاطر و دوری از هیاهوی جمع: از نگاه قرآن کریم فراغت خاطر از سرگرمی‌های دنیوی که موجب پریشانی ذهن و دل می‌شوند، زمینه مناسبی را برای اندیشه به مبدأ و منشاء پدیده‌ها فراهم می‌کند. به فرمایش علامه طباطبایی در آیه: «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ»^۱، تعبیر به تفکر در نفوس، کنایه از این است: «آیا این قدر فراغت خاطر ندارند که در این مسئله بیندیشند و آن را در ذهن خود بیاورند؟ گویا کفار از بس سرگرم امور دنیا هستند و برای آن تلاش نموده و فکرشان پریشان است، خود را هم فراموش کرده‌اند و در صورتی که خود را در ذهن خود حاضر سازند، درحقیقت در خویشتن خود قرار می‌گیرند و فکرشان پراکنده و متفرق نخواهد شد و این فکر ایشان را به‌سوی حق هدایت و به‌واقع امر ارشاد می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۶، ص ۲۳۸).

در جایی دیگر خداوند متعال در آیه: «قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مثنًى وَفَرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ»^۲ می‌فرماید: «به ایشان بگو، من شما را به موعظتی وصیت می‌کنم و آن این است که بی‌سروصدا و جداجدا، برای خاطر خدا، قیام کنید و در گوشه‌ای به فکر فرو روید؛ چون در تنهایی، فکر بهتر کار می‌کند؛ در چنین حالی، درباره امر من که در طول عمرم در بین شما زندگی کردم، نیک بیندیشید و به یادآورید که جز رأی محکم و سدید، فکر صائب و بلند، صداقت و امانت از من ندیدید؛ آن وقت خواهید فهمید که من مبتلا به جنون نیستم و من جز بیم‌رسانی که قوم خود را از عذاب شدیدی که در پیش رو دارند هشدار می‌دهد، چیز دیگری نیستم و غرض دیگری ندارم و خواهید فهمید که من خیرخواه شمایم نه خائن به شما.

اشتغالات و احتیاجات بیشتر دنیای مدرن امروز، رسانه‌های مجازی، تفریحات و تبلیغات، محرک‌های محیطی بی‌حد و حصر و هزاران مانع دیگر، توجه به معنویات و جنبل ملکوتی این عالم، تفکر در مبدأ و معاد را دچار اختلال می‌کند. تفکر نیاز به علم، تمرکز و قوت نفس

۱. روم، ۸.

۲. سبأ، ۴۶.

دارد و انسانی که پیوسته با حوادث و اسباب و شئون مختلف سروکار دارد، کمتر می‌تواند به ماورای این اسباب پی برده و درباره آنها بیندیشد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد، اختصاص دادن دقایقی از شبانه‌روز برای تأمل همراه با آرامش و به‌دور از فضای مجازی و هیاهوی اجتماعی مفید باشد. علاوه بر این‌گونه برنامه‌های روزانه، اعتکاف نیز راهکاری برای تمرین فشرده‌ی رهایی از این تعلقات و فراهم شدن زمینه‌ای برای تفکر و عبادت است.

ذکر خدا: خداوند متعال یکی از خصوصیات برجسته صاحبان خرد را متذکر خدا بودن می‌داند: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۱ انسان گرفتار غفلت‌ها و وسوسه‌هایی است که شیطان به آن کمر همت بسته و این است که مربی باید یادآوری‌ها و تذکری‌ها داشته باشد. هنگامی که نفس انسان با هوس‌ها و سرگرمی‌های مشغول می‌شود و از سرمایه‌های عظیم خود چشم می‌پوشد و غفلت می‌ورزد، به تذکری‌ها نیازمند می‌شود. مربی باید در برابر وسوسه‌ها و گم کردن‌ها و غرورها، سرمایه انسان را بشمارد و بازارهای گرم‌تری را در نظر فراگیران بیاورد و از دزدها و راهزن‌ها داستان‌ها بگوید (صفایی حائری، ۱۳۹۳).

۴-۳. رفع موانع تفکر صحیح

یافته‌های قرآنی بیانگر موضوعات و مباحث نو و بدیعی در گرایش به تفکر است که در نظریات و الگوهای علمی، کمتر به چشم می‌خورد. یکی از آن موارد، مصون‌سازی قلب (عقل فطری) از عوامل بازدارنده است.

اجتناب از عوامل فساد و بیماری اخلاقی: از نگاه قرآن کریم کسانی که در دل دچار بیماری‌های اخلاقی از قبیل مال‌دوستی، جاه‌طلبی، تکبر، عجب، بخل شدید، مسکرات و قمار و... هستند، این بیماری‌ها اجازه نمی‌دهد که آدمی مالک نفس خود باشد و مجالی برای تفکر و سنجش عمل خویش و تشخیص عمل نافع و مضر نمی‌گذارد و اگر مجال می‌داد و آدمی تفکر می‌کرد، هرگز مرتکب چنین اشتباه و خطی نمی‌شد (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۰۳). علامه طباطبایی همچنین در تفسیر این آیه شریفه به استعمال مسکرات و قمار در عقل‌زدایی اشاره دارد: «يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا

۱. آل عمران، ۱۹۱-۱۹۰

وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ^۱. اگر مسکر را خمر و پوشاننده خواندند، بدین جهت است که عقل را می‌پوشاند و نمی‌گذارد میان خوب و بد و خیر و شر را تمیز دهد؛ عقل را زایل و تصرفات عقل را نامنظم و مجرای ادراک را درحال مستی و خماری تغییر می‌دهد. اگر خداوند از شراب و قمار، و تقلب و دروغ، و امثال این گناهان نهی کرده، برای این است که این‌گونه اعمال ویرانگر عقل‌اند و در میان اعمال بدترین عملی که حکومت عقل را باطل می‌سازد، شرب خمر و در میان اقوال دروغ و زور است (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۹۰). از این‌رو، از دیدگاه قرآن کریم تربیت اخلاقی و تهذیب نفس در کنار علم‌آموزی برای ایجاد و حفظ «گرایش به تفکر» صحیح، ضروری است. بر همین اساس، تقویت شناخت فراگیران از خود، ارائه بازخورد به فراگیران و آگاه نمودن آنها از ضعف‌ها و لغزشگاه‌های نفس خویش و نیز شناساندن چگونگی تأثیر عوامل انحرافی نفس در حرکت به سوی مراتب بالای تعقل، مفید فایده است؛ همچنین، خودارزیابی و محاسبه نفس و تقویت کنترل درونی (تقوا)، مهم‌ترین راهبرد قرآن کریم برای هدایت و کنترل تفکر در مسیر فطرت الهی است؛ بنابراین، فراهم نمودن برنامه‌های خودسازی با حضور علمای مهذب در محیط آموزشی مورد تأکید است.

غفلت‌زدایی: از دیدگاه قرآن کریم، غفلت ریشه هر ضلالت و باطلی و عامل مهر زدن بر دل‌ها و چشم‌ها و گوش‌هاست: «أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعَتْهُمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛ آن‌ها کسانی هستند که خدا بر دل‌ها و گوش و دیدگانشان مهر نهاده است و آن‌ها بی‌خبراند»^۲. حس، شعور و عقل این افراد اسیر مادیات می‌شود؛ دیگر به زندگی آخرت توجهی ندارند و آنچه که مایه عبرت‌شان است، نمی‌نگرند. آنچه که دیگران را به سوی آخرت رهنمون می‌شود، در دل و گوش و چشم آنان راه پیدا نمی‌کند و به کلی از آن غافل‌اند و احتمال هم نمی‌دهند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۲). در آیه‌ای دیگر، خداوند غافلان را مانند چارپایان، بلکه گمراه‌تر از آن‌ها، معرفی می‌کند: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ

۱. بقره، ۲۱۹.

۲. نحل، ۱۰۸.

أَضَلُّ أَوْلِيكَ هُمُ الْعَافِلُونَ»^۱. بر این اساس، هرگاه انسان به کارهای خوب و آثار مثبت آن و همچنین به کارهای بد و نتایج سوء آن بیندیشد، امواج ظلمانی «غفلت» از روح و جانش دور می‌شود. درکل، ریشه غفلت را می‌توان در دو چیز، به صورت خلاصه، بیان کرد: (۱) ناآگاهی نسبت به امور اساسی زندگی، مانند خداوند، جهان هستی، دین، دنیا، هدف زندگی، خودانسانی، معاد و در نتیجه ضعف ایمان دینی و (۲) دل‌بستگی به دنیا و اموری که موقتی و گذرا هستند و عدم توجه به ارزش عمر و مسیر حرکت تکاملی و قرب عملی به خدا. به همین منظور، در نظام آموزشی موارد زیر می‌تواند در زمینه غفلت‌زدایی فراگیران مفید فایده قرار گیرد:

- توجه دادن دائم به خداوند و ذکر و یاد او: حضور خداوند در تک‌تک فعالیت‌ها و لحظات زندگی مدرسه‌ای.

- گنجاندن ظریف برخی کارها، مانند قرائت قرآن، دعا و زیارت، نماز، مطالعه سیره ائمه در برنامه‌های مدرسه.

- معرفی و هم‌نشینی با الگوهای خوب و انسان‌های نیک که ما را به یاد خدا می‌اندازد.

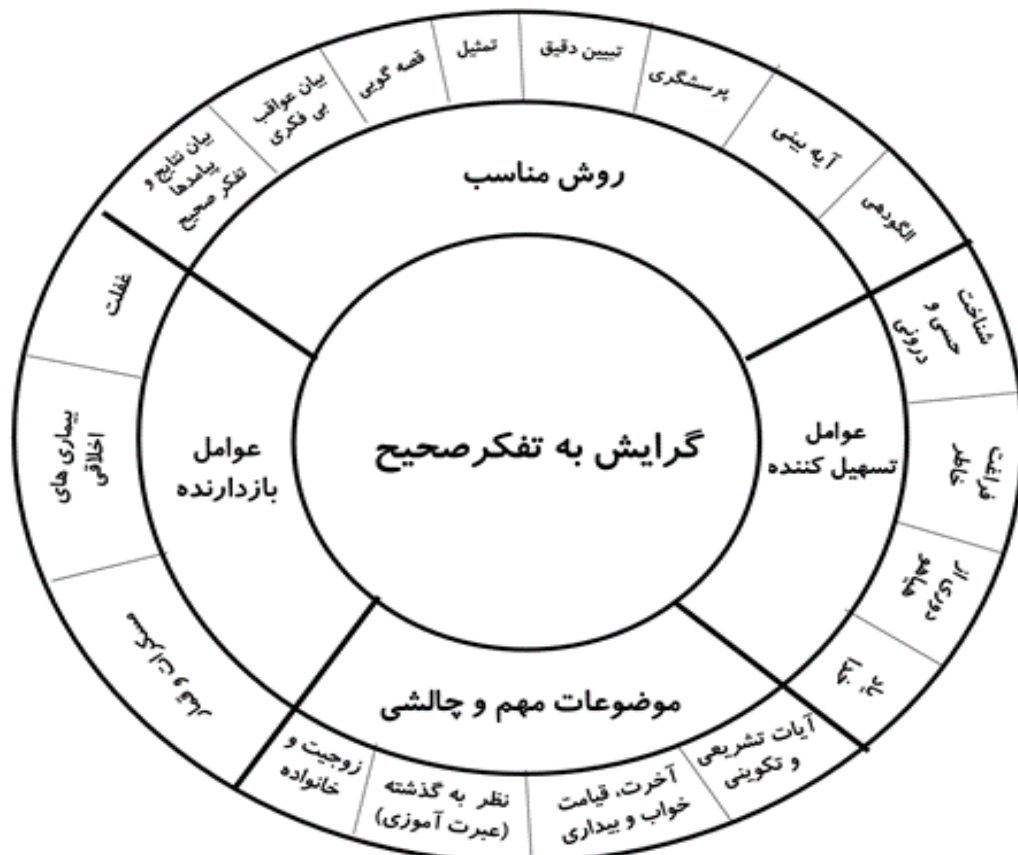
- شرکت در فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی و مناسبتی، به صورت اردویی، سفر و خارج از مدرسه.

- اندیشیدن در حقیقت دنیا و آخرت.

بحث و نتیجه‌گیری

پرداختن دقیق، عمیق و همه‌جانبه به موضوع تفکر در قرآن کریم، خاص فرهنگ متعالی قرآنی است و به لحاظ تناسب با فرهنگ بومی کشور، استفاده از آموزه‌های قرآنی می‌تواند، به‌خوبی، هدایت‌گر نظام تربیتی کشور ما باشد. مهمترین رهیافت تفکر صحیح از نگاه قرآن کریم، توجه به ایجاد تمایل و گرایش به تفکر صحیح در انسان است؛ رویکردی که اخیراً نیز برای پرورش تفکر در نظام‌های آموزشی مورد توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت قرار گرفته است. ایجاد تمایل و «گرایش به تفکر» نیاز به شناسایی عوامل و موانع دارد. در این پژوهش، عوامل عوامل و موانع گرایش به تفکر، براساس قرآن کریم، بررسی شد و به صورت زیر (شکل شماره ۱) به دست آمد:

۱. اعراف، ۱۷۹.



شکل ۱. عوامل و موانع «گرایش به تفکر» در قرآن کریم

خداوند متعال در قرآن کریم، بیش از ۳۰۰ بار انسان را به تفکر، تذکر و یا تعقل دعوت نموده یا به رسول گرامی خود یادآور می‌شود که با چه دلیلی حق را اثبات و یا باطل را ابطال کند؛ همچنین، مردم را تشویق و ترغیب می‌کند تا پیرامون حقایق وجود، معارف مبدأ و معاد، اسرار طبیعت، نوامیس اخلاق و قوانین زندگی فردی و اجتماعی، نتایج و پیامدهای تفکر صحیح و بی‌خردی، بیندیشند. این اندیشه با رویکرد قرآنی، محدوده معینی دارد و غایت آن درک توحید است. معلمان و مربیان برای به‌جریان انداختن تفکر، نیازمند منابع و موضوعاتی برای تفکر، روش‌های آموزشی ترغیب‌کننده و رشددهنده و نیز مصون‌سازی تفکر از عوامل بازدارنده، هستند. اما عملی کردن این پیشنهادات نیاز به زمینه‌سازی‌هایی دارد؛ از جمله اینکه

رویکرد نظام آموزشی ما باید از رویکرد کمی گرا، محتوامحور و حافظه‌محور به رویکرد کیفیت‌گرا، فرایندمحور و تفکرمحور تغییر یابد. در همین راستا، متناسب‌سازی محتوای کتاب‌ها، طراحی بسته‌های یادگیری متنوع و اصلاح شیوه‌های تربیتی آموزشی ضروری است. درعین‌حال، مؤثرترین و تعیین‌کننده‌ترین مؤلفه در نظام آموزشی، معلم و مربی است که می‌تواند محتوای مناسب را به‌خوبی، ارائه کند یا ضعف محتوای نامناسب را به‌خوبی جبران کند و پوشش بدهد. دراین‌میان، به‌ویژه، باتوجه‌به نقش الگویی معلم در تقویت «گرایش به تفکر»، ضرورت اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌های تربیت معلم نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ چراکه در درجه اول، آماده‌سازی معلمان و مربیان به‌صورت افراد متفکر و خردورز و الگویی عملی برای فراگیران و در درجه دوم، مجهز نمودن آنها به تکنیک‌ها و روش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز برای ترغیب دانش‌آموزان به تفکر، مستلزم اصلاحات اساسی در برنامه‌های تربیت معلم است.

همچنین یافته‌های پژوهش، بیانگر موضوعات و مباحث نو و بدیعی در حوزه تفکر است که در نظریات و الگوهای علمی، کمتر به چشم می‌خورد و یا اصلاً بدان‌ها توجه نشده است. برخی از وجوه افتراق یافته‌های پژوهش با نظریات و الگوهای علمی درخصوص تفکرورزی، عبارتند از: آیه‌بینی در شناخت پدیده‌های هستی و انسان، نقش الگوی تربیتی با مشخصه‌های قرآنی، تأکید بر مصون‌سازی قلب از طریق کنترل و اجتناب از بیماری‌های اخلاقی و تبیین جامع و واقع‌بینانه نتایج تفکر صحیح و پیامدهای منفی عدم تفکر.

براساس نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی، فرایند تفکر و عوامل و موانع آن بین دیدگاه اسلامی و غربی مقایسه شود؛ نسبت میان تفکر و سایر مفاهیم نزدیک، همچون تعقل، مورد بررسی قرار گیرد؛ موانع گرایش به تفکر به‌شیوه میدانی، مورد بررسی پدیدارشناختی قرار گیرد؛ و همچنین، شیوه‌های عملیاتی تقویت «گرایش به تفکر» صحیح در قرآن کریم مورد پژوهش و سپس اجرای آزمایشی در مدارس قرار گیرد. همچنین، برای ایجاد آمادگی و مهارت معلمان و مربیان، برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای معلمان، پیشنهاد می‌شود.

منابع قرآن کریم

- ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ ق). «معجم مقاییس اللغه»، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- اخوان ملایری، جمیله (۱۳۹۸)، «تدوین بسته آموزشی تفکر انتقادی برای دوره کارشناسی براساس داستان‌ها و تمثیل‌های قرآن کریم»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی - دانشکده علوم انسانی، اراک.
- بخشی زاده مقدم، محمدحسین، انصاریان، فهیمه؛ صمدی، معصومه (۱۴۰۲). "جایگاه پرورش تفکر مبتنی بر فلسفه تربیتی اسلام در رسانه تلویزیون". علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، (۲۰)، ۱۱، ۹۹-۱۳۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). «تفسیر انسان به انسان». قم: اسرا.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۱). «چهل حدیث»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (س).
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۷). «روانشناسی پرورشی». چاپ چهارم، تهران: طرح نو.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد (۱۳۸۸). «ترجمه مفردات الفاظ القرآن»، مترجم: مصطفی رحیمی‌نیا، تهران: سبحان.
- عجم، علی اکبر و مباحثی، زهرا (۱۳۹۸). "اثر بخشی «قصه‌های قرآنی» بر «ذهنیت فلسفی» و «گرایش به تفکر انتقادی» دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی"، روانشناسی، (۲۵)، ۱۲، ۵۱-۶۸.
- صحرائی پاریزی، فاطمه (۱۳۹۹). «ارائه مؤلفه‌های تفکر انتقادی با توجه به تربیت آیه‌های مستخرج از سوره مبارکه بقره»، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- صداقت، مریم (۱۳۸۴). «بررسی مبانی و اصول پرورش تفکر در دانش‌آموزان»، طرح پژوهشی جهاد دانشگاهی تهران.
- صداقت، مریم (۱۳۹۳). «تفکر از چيستی تا آموزش»، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- صفایی حائری، علی (۱۳۹۳). «مسئولیت و سازندگی» (جلد اول)، قم: لیله القدر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۵). «تفسیر المیزان»، سید محمد باقر موسوی همدانی، نرم افزار جامع تفاسیر قرآن کریم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۳۱). «مجمع‌البیان»، بیروت: دارالمعرفه، بی تا
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). «انسان سازی در قرآن»، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).

- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). «تفکر در قرآن کریم»، سخنرانی در دفتر مقام معظم رهبری. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). «انسان و ایمان»، جلد ۲، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). «مجموعه آثار»، جلد ۱۳، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۶). «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- Prkins, D.N., Tishman, S. (1998). Dispositionol aspect of intelligence. Retrieved January 20, 2007, from <http://learnweb.harvard. Edu/ alps/thinking/ docs/Plymouth.htm>.
- Richhart, R. (2015). Cultivating a culture of thinking in museums Journal of in museum education, 32(2), 137-154.
- Richhart, R., & Prkins, D. N. (2000). life in the mindful classroom: Nurturing the disposition of mindfulness, Journal of social issues, 56(1), 27-47.
- Richhart, R., & Prkins, D. N. (2008). Making thinking visible. Education leadership, 65(5), 57-61.